

برنامه‌ریزی و قدرت در ایران

«ابوالحسن ابتهاج و توسعه اقتصادی زیر سلطه شاه»

ترجمه: دکتر فرانسیس بوستاک - جفری جونز

مترجم: دکتر پازوکی - علی حبیبی

بوستاک، فرانسیس، Frances Bostock، برنامه‌ریزی و قدرت در ایران: ابوالحسن ابتهاج و توسعه اقتصادی زیر سلطه شاه. مترجمان: مهدی پازوکی، ۱۳۳۹، علی حبیبی، ۱۳۴۴. تهران، کویر، ۱۳۹۵.
فیبا. نمایه. ۳۲۸ ص.
ISBN: 978-964-214-125-8

عنوان اصلی: Planning and power in Iran: Ebtehaj and economic development under the Shah
ایران - اوضاع اقتصادی - ۱۳۲۴. ابتهاج، ابوالحسن، ۱۳۷۸-۱۳۷۸. ایران - تاریخ پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷. ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۲۰-۱۳۵۷. جونز جفری، ۱۹۵۲ م.

۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲

DSR ۱۲۸۶ / الف ۲ ب ۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۲۴۴۹۲

www.ketab.ir

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Frances Bostock, Geoffrey Jones, *Planning and Power in Iran: Ebtehaj and Economic Development Under the Shah*, Routledge, 1989.



برنامه‌ریزی و قدرت در ایران

«ابوالحسن ابتهاج و توسعه اقتصادی در زمانه شاه»

نویسندگان: فرانسیس بوستاک - جفری جونز

مترجمان: مهدی پازوکی - علی حبیبی

• طراح جلد: سعید زاشکانی • حرفه‌نگار و صفحه‌آرا: انتشارات کویر • سربل قدرتی

• لیتوگرافی و چاپ: غزال • صحافی: کیمیا • شمارگان: ۱۰۰۰ • چاپ اول: ۱۳۹۵

• شابک: 978-964-214-125-8 • قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

Email: kavirbook@gmail.com

• نشانی: تهران، کریم‌خان زند، ابتدای قائم‌مقام فراهانی، کوی یکم، شماره ۲۰، ساختمان کویر

• کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۳ • تلفن: ۸۸۳۰۱۹۹۲ - ۹ و ۸۸۳۴۲۶۹۸ • نمایان: ۸۸۳۴۲۶۹۷

• تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

۹	پیش‌گفتار مترجمان
۱۵	دیباچه یوجین بلک
۱۷	پیش‌گفتار نویسندگان
۲۳	مقدمه
۳۵	بخش نخست: طغیان در برابر نظام کهنه ۱۹۰۰-۱۹۳۶
۳۷	فصل نخست: مرور حساب
۵۷	بخش دوم: ملی‌دانی بین‌المللی‌گرایی ۱۹۳۷-۱۹۵۳
۵۹	فصل دوم: نخستین تظاهرات
۹۱	فصل سوم: جایگاه‌سازی برای ایران
۱۱۹	فصل چهارم: به چالش کشیدن بلک بریتانیا
۱۴۱	بخش سوم: برنامه‌ریزی برای آینده ایران
۱۴۳	فصل پنجم: انتظارات نامحدود، منابع محدود
۱۷۷	فصل ششم: دولت جایگزین ابتهاج
۲۲۱	بخش چهارم: برخورد ارزش‌ها
۲۲۳	فصل هفتم: بیشتر اروپایی، یا ایرانی؟
۲۵۱	فصل هشتم: شهروند خصوصی
۲۷۹	بخش پنجم: برنامه‌ریزی و قدرت
۲۸۱	فصل نهم: دیدگاه‌های ابتهاج
۲۹۳	پی‌نوشت‌ها و منابع
۳۲۱	نمایه

پیشگفتار مترجمان

به کاربردن القاب برای یک فرد در طول دوران زندگی اجتماعی به خصوص برنامه‌ریزی‌های کلان معنی و مفهوم خاصی دارد. نهاد مبارزه با فساد، شایسته‌ترین مقام دولتی در خاورمیانه، بنیان‌گذار نهادهای مختلف در ایران، پیشگام نوگرایی جامعه ایران، نخستین تکنوکرات ایران، نابغه ملی ایران، ملی‌ترین اقتصاددان و مدیر قابل احترام ایران، مرد رشد اقتصادی ایران، آنازگر اندیشه برنامه‌ریزی قاعده‌مندتر در ایران و نظایر آن برای فردی گفته می‌شود که از جانب غربی‌ها به‌عنوان فردی «ملی‌گرای، متعصب و وطن‌دوست» یاد می‌شود و حتی کشورهای خارجی را در ایران چندان میدان نمی‌داد و برای منافع ملی بسیار پافشاری می‌کرد. از طرف داخلی‌ها هم، متهم به «عنصر بیگانه و دست‌نشانده» در جامعه ایران معروف شده بود. این فرد ابوالحسن ابتهاج است.

ابوالحسن ابتهاج، مرد اول اقتصاد ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ میلادی، بنیان‌گذار نظام برنامه‌ریزی در ایران و یکی از پرشورترین حامیان جان‌مینیاردکنیز بود که در سال ۱۹۹۴ میلادی در لندن درگذشت. پروفیسور فرانسیس بوستاک و جفری جونز دو تن از خیره‌ترین اقتصاددانان مدرسه مطالعات اقتصادی (LSE)

لندن، مجموع تحقیقات خود را در کتابی با عنوان «برنامه‌ریزی و قدرت در ایران» در سال‌های اواخر دهه ۸۰ میلادی منتشر ساختند.

در این کتاب ریشه‌های اصلی برنامه‌ریزی توسعه در ایران قبل از وقوع انقلاب اسلامی، با تأکید بر نقش ابوالحسن ابتهاج به عنوان چهره‌ای پرنفوذ، طی دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ که ارتباط نزدیکی با شاه و تأثیر فراوانی بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی ایران در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ شمسی داشت و در نظامی که فساد سراسر رجود آن را فرا گرفته بود، به نوشته مجله نیویورک تایمز در سال ۱۳۴۱ (۱۹۶۲) میلادی، فساد، ارزه با فساد به شمار می‌رفت.

طالع‌ستاب «برنامه‌ریزی و قدرت در ایران» بخشی از زوایای تاریخ اقتصادی ایران را بازگو می‌کند که در دوران مدیریت‌اش در بانک ملی ایران و سازمان برنامه، زمینه بررر تحریک ساختاری و بنیادی در کشور شد و اوج آن را می‌توان به رشد اقتصادی بالای ۱۲-۱۰ درصد در طی سال‌هایی یافت که با همت، پشتکار و تیزی این فرد، در کنار برخی از راهانش (علی‌رغم سنگ‌اندازی‌های مختلف در مسیر راهش)، صورت گرفت. حال سوال این است که یک کارآفرین در عرصه اجتماعی، چه اندیشه‌ای در سر می‌روران و چه انگیزه‌ای برای خود تصور می‌کند که دستاوردهای وی موجب می‌شود که تاریخ اقتصاد ایران از آن به نیکی یاد کند؟ ارتباط ابتهاج با شاه، نشأت گرفته از اندیشه‌ای بود که در سر داشت و در مقابل نگرانی‌هایی که هر روز فکر او را مشغول می‌کرد برخی معتقدند که اندیشه‌هایی چون ملی‌گرایی و آزادی‌خواهی که در قانون اساسی مشروطه محترم شمرده می‌شد، تأثیر قابل توجهی به نسل جوان ایرانی آن دوران از جمله ابتهاج داشته است و معتقد بود که ایران با وجود برخورداری از منابع طبیعی و موقعیت منحصر به فرد استراتژیک خود در منطقه، با تنگناهای فراوانی برای صنعتی شدن و مدرنیته روبروست.

وی برای پیشبرد اهداف خود برای توسعه کشور دست به هر اقدامی زد. استفاده از خارجی‌ها برای مشاوره‌های فنی و توسعه کشور، نقش برجسته در ایجاد نهادهای اثرگذار در مسیر رشد و توسعه کشور، اتخاذ رویکرد عقلایی‌تر برای

توسعه اقتصادی ایران و مصمم بودن بر آن، اصرار بر رویکرد انتظار توسعه از نهاد برنامه ریزی کشور (سازمان برنامه) آن هم بصورت یک سازمان کاملاً مستقل، تقویت موقعیت ایران در سطح بین‌المللی (که باعث افزایش چانه‌زنی کشور در تلاش‌های بین‌المللی شد)، اتخاذ سیاست‌های اعتباری مشخص در دوران مسئولیت در بانک ملی ایران (که عهده دار بانک داری مرکزی ایران نیز بود)، نشر اسکناس، اقدام به ضرب سکه‌های طلای سلطنتی، عملیات ارزی و تقویت ذخیره منابع ارزی کشور برای توسعه اقتصادی پس از پایان جنگ و... همگی تاییدی بر این ادعا است که نقش او در طرح و پایه‌گذاری نهادهایی که مدیریت اقتصاد مدرن ایران را سامان خواهند داد، آشکارتر می‌سازد.

وی به عنوان رئیس هیئت نمایندگان ایران در کنفرانس بین‌المللی پولی و مالی برتون وودز (جولای ۱۹۴۴) در آمریکا شرکت کرد. جان مینیاردکنیز اقتصاددانان بزرگ نیز به عنوان نماینده کشور بریتانیا در این کنفرانس شرکت داشت. این کنفرانس دستاورد نهادی و مالی مهم را به همراه داشت که منجر به تأسیس نهادهایی از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول شد که کماکان فعال هستند. چانه‌زنی و مذاکره با این نهادها برای دریافت وام‌دهی بلند مدت، منجر به دریافت خدمات مشاوره‌ای فنی مورد نیاز برای مطالعات برنامه هفت‌ساله عمرانی از جانب بانک جهانی شد. چرا که محدودیت‌های درآمد نفتی در آن دوران گرایش ابتهاج به سمت دریافت منابع مالی از نهادهای بین‌المللی افزایش یافت و حتی تلاش کرد که نام ایران در فهرست کشورهای دریافت کنند وام از بانک جهانی قرار دهد ولی در داخل کشور از جانب عموم مردم، نهادهای مجلس و حتی دولتمردان مخالفینی داشت و به دلیل نداشتن پایگاه قدرت سیاسی قوی، موجب گردید که به تدریج با شاه به دلیل مسیر صنعتی شدن (که به نظر وی این مسیر اشتباه بود)، تعارضاتی بوجود آید. معتقد بود که عقب‌ماندگی‌های اجتماعی و اقتصادی ایران فقط از طریق تخصیص منطقی درآمدهای نفتی کشور برای بهبود رشد اقتصادی و در نهایت رفاه مردم، امکان‌پذیر است. لذا باید کنترل این فرآیند در اختیار کسانی قرار گیرد که نگاه و اندیشه بلندمدت برای توسعه

کشور دارند و متقاعد شده بود که ایرانی‌ها آمادگی پذیرش ایده‌های نوین را بیش از ملت‌های دیگر دارند و آنچه در ایران اشتباه رخ می‌دهد روش پیاده‌سازی ایده‌ها است.

علی‌رغم این دیدگاه و به دلیل تعارضات به وجود آمده، در نهایت از سازمان برنامه به عنوان فرزند خود کناره‌گیری کرد و پس از آن سعی کرد زندگی خود را به عنوان یک شهروند معمولی ادامه دهد.

این کتاب را می‌توان به چهار دوره از زندگی ابتهاج خلاصه کرد. ابتدا تاریخچه بانکی ابتهاج و مشکلات به وجود آمده در دوران جنگ و حمله روس‌ها. ایران که برای خوانندگان جذاب و شیرین خواهد بود. در ادامه دورانی که ابتهاج در نهادهای مالی کشور (بانک شاهنشاهی، بانک رهنی ایران و بانک ملی ایران) فعالیت خود را سر به سر کرد و زمینه تعارضات وی با بریتانیا و حتی برخی از مدیران و وزرای دایر کشور شروع شد. سپس به دوره‌ای خواهد پرداخت که بیشترین ایده‌پردازی وی مربوط به آن است، یعنی شکل‌گیری یک نهاد برنامه‌ریزی در کشور برای رونق بخشیدن اقتصاد. این نیز بخش دیگری از خاطرات زندگی اجتماعی و سیاسی ابتهاج را تشکیل می‌دهد. در نهایت پس از کناره‌گیری از این سازمان، فعالیت خصوصی خود را ادامه می‌دهد. از جمله آن می‌توان به تأسیس بانک ایرانیان در کنارگذران زندگی فردی خود اشاره ناگفته‌نماند که پس از کناره‌گیری از ریاست این سازمان، گفته می‌شود که خواستار در اجلاس‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که از طرف این دو نهاد بین‌المللی دعوت می‌شد، شرکت می‌کرد.

مطالعه این کتاب برای همه توصیه می‌شود. البته کسانی که علاقمند به مطالعه تاریخ اقتصاد ایران به‌خصوص دهه‌های ۴۰-۳۰ که رشد اقتصادی بالایی را تجربه کرده است بیشتر مفید خواهد بود. این کتاب نشان می‌دهد که گاهی اوقات در برخی از کشورها، افرادی (به عنوان کارآفرین اجتماعی و سیاسی) هم می‌توانند با نگرش و بینش خود بیشتر سرنوشت کشورها را تغییر دهند و یا مسیری را تعیین کنند که آیندگان قدم‌های استوارتری بردارند.

پیشگفتار مترجمان □ ۱۳

در خاتمه برخود لازم می‌دانیم از مدیر محترم انتشارات کویر جناب استاد محمدجواد مظفر و مدیر تولید انتشارات، سرکار خانم نسرین قدرتی که در آماده‌سازی و صفحه‌آرایی این کتاب تلاش و همکاری داشته‌اند، قدردانی نماییم.

مهدی بازوکی - علی حبیبی

پائیز ۱۳۹۴

www.ketab.ir

دیباچه یوجین بَلک

بدون تردید کتاب پیش رو برای کسانی که از پژوهش‌های شناخت شرایطی هستند که منجر به وقوع انقلاب اسلامی ایران در دهه ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۵۰ خورشیدی) شد، کتابی بسیار سودمند است. همچنین، کتاب حاوی اطلاعات مهمی درباره روابط جهان غرب و ایران می‌باشد. لزوم بر این کتاب مطالعه‌ای است تأثیرگذار درباره زندگی یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های ایرانی؛ مردی که تا حد امکان، و در شرایط گوناگون، مسیر ما را در قدرت نگه داشت.

من به‌عنوان رییس بانک جهانی در دهه ۱۹۵۰ (۱۳۳۰)، همزمان با ریاست ابوالحسن ابتهاج بر سازمان برنامه، هیچ تردیدی در ارائه پشتیبانی کامل بانک به وی نداشتم. به باور من، ابتهاج فردی پیشگام در توسعه جهان سوم بود — فردی ملی‌گرا که نسبت به حفظ و ارتقای منافع کشورش تعهد کامل داشت، و در عین حال برای دستیابی به این هدف آماده همکاری با سازمان‌های بین‌المللی هم بود. انتصاب وی به ریاست سازمان برنامه و مدیریتش بر این سازمان برای همکاری بانک جهانی با ایران بسیار با اهمیت بود.

اینجانب شخصاً ارزش زیادی برای ابتهاج قائل بودم و رابطه کاری مناسبی با او داشتم. به باور من، او آئینه تمام‌نمای یک انسان کامل بود؛ به نحوی که با رویی گشاده و با صداقت تمام برای گفت‌وگو با دو تاریخ‌نگار مستقل نویسنده این کتاب اعلام آمادگی کرد، و بسیار شادمانم که اکنون تمام خدمات وی به کشورش در یک جا گردآوری شده است.

یوجین بَلک

ساوت همپتون، نیویورک

ژوئن ۱۹۸۸

پیشگفتار نویسندگان

در این کتاب برنامه‌ریزی و توسعه در ایران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷)، با همکاری کامل ابوالحسن ابتهاج، به عنوان چهره‌ای برجسته، مورد بررسی قرار گرفته است. ابتهاج در مصاحبه‌های متعدد با نویسندگان شرکت جسته، و دست‌نوشته‌های خود درباره موضوعات گوناگون را در اختیار آنها قرار داد. این کتاب هرگز با هدف دفاع از آقای ابتهاج نوشته نشده است. پافشاری ما، که البته ایشان نیز موافق آن بود، بر این است که در تحلیل مباحث کاملاً آزاد باشیم. در نتیجه، اگرچه در نوشتن این کتاب از همکاری و هم‌فکری وی بهره فراوانی بردیم، اما تفسیرها و داوری‌های صورت گرفته تماماً از خود ماست.

به دلیل وقوع انقلاب اسلامی، نوشتن تاریخ ایران معاصر با دشواری‌های زیادی همراه بود، زیرا انجام پژوهش با استفاده از منابع اول درون ایران تقریباً غیر ممکن بود. اصرار ما بر این بود که برای نوشتن کتاب از منابع

نوشته شده به زبان فارسی بهره بگیریم، هرچند که اقتصاددان‌ها و تاریخ‌نگاران ایرانی در چند دهه گذشته علاقه‌مند به انتشار پژوهش‌های خود به زبان انگلیسی بوده‌اند. از آن مهم‌تر این که، برای جبران کمبودهای موجود در زمینه دسترسی به مستندات مکتوب دست اول، به‌طور گسترده‌ای از مجموعه «تاریخ شفاهی ایران»^۱ استفاده کردیم. این کتاب تکیه زیادی بر مصاحبه‌های انجام شده، نه فقط با ابوالحسن ابتهاج بلکه با دیگر چهره‌های برجسته ایرانی (و نیز عربی)، دارد. البته دشواری‌های ناشی از تکیه بر خاطرات ناقص، داوری دربارهٔ صحت روایات و مانند آن، بر همگان آشکار است. تاریخ شفاهی، هنگام اشاره به رمان و نوع حوادث به‌طور گسترده‌ای دچار اشتباه است. با این حال، بر این باوریم که مصاحبه ضمن فراهم کردن اطلاعاتی منحصر به فرد و سودمند درباره انگیزات و سیاست‌های گذشته، به‌گونه‌ای فضای حاکم بر یک دوره زمانی خاص را به تصویر می‌کشد. در استفاده از یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، نقل قول‌هایی را آورسیم که خاندان‌ها را قادر می‌سازد تا خود درباره دیدگاه‌های مصاحبه‌شونده داوری کنند. در مواردی که منابع مکتوب نشان می‌داد اطلاعات مربوط به تاریخ شفاهی اشتباه و گمراه‌کننده است، نقل قول‌های شفاهی را حذف کردیم.

در مصاحبه با ابوالحسن ابتهاج، این شانس را داشتیم که از خدمات یک متخصص تاریخ شفاهی به نام کریستوفر کوک^۲ بهره‌مند شویم، که وظیفه دشوار انجام بیشتر مصاحبه‌های طولانی اولیه را بر عهده داشت. همچنین، از مصاحبه دکتر خداداد فرمانفرمایان با حبیب لاجوردی،^۳ به‌پارچوب پروژه تاریخ شفاهی ایران^۴ که توسط مرکز مطالعات خاورمیانه^۴ دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) انجام شد، بهره فراوانی بردیم. در اینجا باید مراتب سپاس

1. Oral history
3. Iranian Oral History

2. Christopher Cook
4. Center for Middle Eastern Studies

خود را از دکتر فرمانفرمایان که به ما اجازه دسترسی به دست‌نوشته‌هایش و نقل قول از آن را داد اعلام نماییم.

برای نگارش این کتاب از منابع گوناگون بایگانی‌شده در غرب نیز استفاده فراوان برده‌ایم. نگاه به درون ایران از دریچه چشمان خارجی‌ها مخاطرات زیادی به همراه دارد، اما — همانند استفاده از تاریخ شفاهی — بر این باوریم که منافع آن بیش از هزینه‌هایش است. از بانک هنگ‌کنگ^۱ و بانک انگلستان^۲ که اجاره استفاده از منابع تاریخی‌شان و بیان آن در کتاب را به ما دادند، سپاسگزاریم. سازمان ثبت اسناد عمومی بریتانیا^۳ اطلاعات مهمی را در اختیار ما قرار داد، که در این کتاب باید از مسئول کنترل بایگانی اسناد، که اجازه نقل قول از اسنادی که تا آن زمان منتشر نشده بود را به ما دادند، تشکر نماییم. بسیاری از منابع ارزشمند مورد استفاده در ابالات متحده امریکا قرار داشت. قانون آزادی اطلاعات^۴ موجب شد تا به مرافق سودمندی درباره حوادث ایران در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ (۱۳۳۰ و ۱۳۴۰) دست یابیم، که بسیاری از آنها — در زمان نوشتن کتاب — هنوز در اختیار بایگانی ملی^۵ واشنگتن قرار نگرفته بود. متأسفانه تعدادی از اسناد و مدارک فاقد کد دسترسی دارند، که این امر امکان کنترل آن را، زمانی که پرونده‌های مربوط به ایران در بایگانی‌های ملی کشورها در دسترس اندیشمندان قرار می‌گیرد، بسیار دشوار می‌سازد. اداره روابط خارجی صندوق بین‌المللی پول (IMF) در واشینگتن، با برگزاری خاصی مجموعه‌ای از عکس‌های مربوط به رؤسای هیأت‌های نمایندگی کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس برتن‌وودز^۶ را در اختیار ما قرار داد. همچنین لازم است از رولوف بنی^۷ تازه درگذشته و بایگانی ملی کانادا^۸ برای صدور اجازه دسترسی به عکس‌های سد دز نیز قدردانی کنیم.

1. Hongkong Bank Group
3. British Public Record Office
5. National Archive
7. Roloff Beny

2. Bank of England
4. Freedom of Information Act
6. Bretton Woods conference
8. National Archives of Canada

برای نوشتن واژه‌های فارسی به زبان انگلیسی، به غیر از واژه‌های با کاربرد عمومی، هیچ قاعده خاصی لحاظ نشده است، و تا جایی که امکان‌پذیر بوده، واژه‌ها به همان شکل اصلی خود بیان شده‌اند: به ویژه، نام‌ها درست همان‌طور که مردم در گفت‌وگوهای عادی خود به کار می‌برند رونویسی شده‌اند، و نام نهادها و سازمان‌های خاص — برای مثال بانک ملی و بانک ره‌نی — نیز با عروف انگلیسی نوشته است.

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، بیشترین دین ما در نوشتن این کتاب به شخص ابوالحسن ابتهاج است. ایشان با رویی گشاده از پیشنهاد اولیه ما استقبال کرد و هر زمان که لازم بود برای مصاحبه در دسترس بودند، و به شدت به اطلاعات آرشیدی ارائه شده، چه مطالبی که به نفع خودشان بود و چه به ضررشان، علاقه نشان می‌دادند، و تا جایی که در توان داشتند به ما در مقابله و تصحیح اطلاعات یاری می‌رساندند. در این میان، همکاری خانم دکتر آذر ابتهاج نیز پیشگیر بود. ایشان نه فقط برای مصاحبه با ما اعلام آمادگی کردند، بلکه برای پیدا کردن عکس‌های مناسب نیز از کمکشان بهره‌مند شدیم.

در اینجا باید از آقای علیرضا عرفانی، که به آقای ابتهاج کمک کرد تا خاطراتش را به زبان فارسی بنویسد و سپس فارسی سودمندی را هم به ما پیشنهاد کرد؛ دکتر خداداد فرمانفرمائی، که نه خط به ما اجازه داد تا به اسناد تاریخ شفاهی هاروارد دسترسی داشته باشیم، بلکه امکان گفت‌وگویی طولانی را هم فراهم کرد؛ دکتر سیروس غنی، که دنیای اطلاعات و پیش‌نهادها بود؛ و سرانجام دکتر جان گارنی^۱ و پروفیسور فرد هالیدی^۲، که دست‌نوشته‌هایمان را مطالعه و توضیحات سودمندی ارائه کردند، سپاس ویژه داشته باشیم.

همچنین، با تعداد زیادی از افرادی که از ابوالحسن ابتهاج در مراحل مختلف زندگی حرفه‌ای وی شناخت داشتند گفت‌وگو کرده و ارتباط داشتیم.

بر خود لازم می‌دانیم از کمک‌های پتر آوری^۱، آقا خان بختیار^۲، یوجین بلک^۳، دکتر ابریم اشاک^۴، دکتر ولدون گیسون^۵، منوچهر کاظمی، جان کروتوفر^۶، حبیب لاجوردی، دکتر رضا مقدم، هکتور پرادام^۷، رابرت اسکات^۸، پتر ووتکه^۹، سیر دنیس رایت^{۱۰} و سرهنگ گراتیان یاتسویچ^{۱۱} صمیمانه سپاسگزاری کنیم. سرانجام، سپاس ویژه خود را به خانواده قابل احترام مان، که همیشه و در همه حال شوق و پشتیبان ما بودند، تقدیم می‌داریم.

فرانسیس بوستوک - جفری جونز

لندن، نوامبر ۱۹۸۷

-
1. Peter Avery
 3. Eugene Black
 5. Weldon Gibson
 7. Hector Prud'homme
 9. Peter Wodtke
 11. Gratian Yatsevitch

2. Aghakhan Bakhtiar
4. Eprime Eshag
6. Jan Kruthffer
8. Robert Schott
10. Sir Denis Wright